

تحلیلی بر نابرابری‌های فضایی توسعه ناحیه‌ای در ایران (محدوده مورد مطالعه: شهرستان‌های نواحی ساحلی شمال کشور)

سید علی حسینی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
محمد میره‌ای* - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران
بیرام بی‌بی نظری - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه تهران، تهران، ایران
سیده مریم حسینی - کارشناس پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۸

چکیده

برنامه‌ریزی منطقه‌ای باهدف ایجاد توسعه و کاهش نابرابری به‌عنوان یکی از موضوعات مهم در کشورهای درحال توسعه محسوب می‌شود. لازمه‌ی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شناسایی جایگاه مناطق نسبت به یکدیگر از لحاظ توسعه است. کاهش نابرابری در بهره‌مندی از منابع، دستاوردها و امکانات جامعه یکی از مهم‌ترین معیارهای توسعه به شمار می‌آید. هدف از این مقاله، تحلیل نابرابری‌های فضایی و تعیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی ساحلی شمال کشور می‌باشد. نوع تحقیق بر اساس هدف کاربردی و بر اساس ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. در این پژوهش از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره (TOPSIS, SAW) و نرم‌افزار ARC GIS استفاده شده است. نتایج نشان داد که شهرستان‌های تنکابن، سیاهکل، سوادکوه، رشت، گرگان، ساری، بندرگز، رودبار، گنبدکاووس، فریدون‌کنار، چالوس، بابلسر و شهرستان رامسر در رده‌ی شهرستان‌های کاملاً برخوردار و شهرستان‌های بابل، کردکوی، بندر انزلی، جویبار، لنگرود، لاهیجان، آزادشهر، محمودآباد، مینودشت، آمل، رودسر و بهشهر در سطح برخوردار قرار دارند. در سطح نسبتاً برخوردار هم می‌توان از شهرستان‌های نور، کلاله، ماسال، آق‌قلا، ترکمن، علی‌آباد، فومن، رامیان، مراوه‌تپه، صومعه‌سرا، نکا و آستانه نام برد. همچنین شهرستان‌های کمبیشان، گلوگاه، قائم‌شهر، عباس‌آباد، املش، شفت، آستارا، تالش، گالیکش، نوشهر، رضوانشهر و میانرود، در رده‌ی شهرستان‌های کاملاً محروم قرار گرفتند. از آنجایی که تفاوت مابین مناطق کاملاً برخوردار و کاملاً محروم از لحاظ توسعه‌یافتگی بسیار زیاد است، پیشنهاد می‌شود برای مناطق محروم بهترین راه‌حل استفاده از برنامه‌های ضربتی و کوتاه‌مدت برای خروج از مشکلات است.

واژگان کلیدی: نابرابری‌های فضایی، سطوح توسعه‌یافتگی، توسعه ناحیه‌ای، نواحی ساحلی

مقدمه

تورم توسعه و تراکم رشد به‌ویژه در کشورهای جهان سوم سبب بروز عدم تعادل و ناهماهنگی‌های ناحیه‌ای گردیده که پیامد آن سیل عظیم مهاجرت‌های روستا شهری، عقب‌ماندگی نقاط دیگر و نابرابری‌های ناحیه‌ای است (معصومی و همکاران، ۱۳۸۵: ۹). در ایران نابرابری و فقدان تعادل در توزیع بهینه امکانات در اثر سیاست‌های غیراصولی گذشته در مکان‌یابی‌های صنعتی خدماتی، قطب‌های رشد و روند تمرکزگرایی در شهرهای مسلط ناحیه‌ای؛ عدم تعادل فضایی بین سطوح ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی یکی از مسائل مهمی است که تحت تأثیر مکانیسم‌های حاکم بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پدید آمده است. این ناهنجاری و عدم تعادل با افزایش نقش دولت در اقتصاد با توجه به ماهیت تمرکز و بخش‌گرایی آن افزوده و برنامه‌ریزی‌ها بیشتر در اختیار دولت قرار گرفته است. در این ارتباط از مشارکت مردم کاسته شد و نواحی بزرگ و کوچک در یک کلیت یکپارچه دیده نشده است (موحد، ۱۳۷۶: ۲). نتیجه‌ی آن عدم توزیع بهینه امکانات، رفاه و ثروت، از بین بردن برابری‌های نواحی، افزایش شکاف توسعه و از بین رفتن عدالت اجتماعی و اقتصادی و دوگانگی ناحیه‌ای بوده است. از این‌رو، ضروری است برنامه ریزان و طراحان توسعه با دیدی واقع‌بینانه علت وجودی دوگانگی ناحیه‌ای را برای رهایی از این معضل مورد توجه قرار دهند. امروزه آگاهی از نقاط قوت و ضعف نواحی، جهت ارائه‌ی طرح‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری ضروری است، به‌گونه‌ای که استفاده از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... می‌تواند معیاری مناسب برای تعیین جایگاه نواحی و عاملی مهم در جهت رفع مشکلات و نارسایی‌های موجود در راه رسیدن به توسعه و عدالت اجتماعی باشد (قنبری و همکاران، ۱۳۸۴: ۲). یکی از مشخصه‌های بارز در توسعه فضایی ایران، وجود نابرابری‌های ناحیه‌ای است. برنامه‌ریزی ناحیه‌ای در این میان، می‌تواند پاسخی به نارسایی‌ها و کاستی‌ها در سطوح مختلف جغرافیایی باشد. سطوح ملی و محلی برنامه‌ریزی به دلیل نوع نگرش آن‌ها به برنامه‌ریزی، نمی‌توانند نگرش جامع به ناحیه به‌صورت سیستمی داشته باشند، بنابراین، پیوند منافع ملی و محلی را می‌توان با برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، در قالب برنامه‌های ملی و با نگرش سیستمی به برنامه‌های محلی به وجود آورد. (زالی، ۱۳۷۹: ۴). از این‌رو اولین گام در برنامه‌ریزی منطقه‌ای و ناحیه‌ای، شناسایی جایگاه مناطق نسبت به یکدیگر از نظر توسعه و علت نابرابری‌ها و شناسایی وضع موجود آن‌ها می‌باشد که این شناسایی مستلزم تجزیه و تحلیل بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... می‌باشد. برای تخصیص اعتبارات و منابع میان مناطق مختلف، شناسایی جایگاه آن در منطقه در بخش مربوطه و رتبه‌بندی سطوح برخورداری از مواهب توسعه ضروری است. در مباحث توسعه‌ی منطقه‌ای وجود تفاوت‌های منطقه‌ای امری اجتناب‌ناپذیر بوده است، از آنجاکه توزیع منابع توسعه (شامل منابع مالی، منابع انسانی، دسترسی به مواد اولیه تولید، شبکه ارتباطی و مانند این‌ها) یکسان نمی‌باشد، نمی‌توان انتظار داشت رشد و توسعه میان تمام اجزای ساختار فضای یک منطقه یا استان به‌صورت برابر باشد» (متوسلی، ۱۳۸۰: ۲).

نواحی سواحل درگذر تاریخ، همواره اصلی‌ترین سکونتگاه‌ها برای انسان بوده‌اند. از پیدایش تمدن‌های کهن گرفته تا امروز، بشر مناطق ساحلی را به‌عنوان مناطقی پرجاذبه برای سکونت مورد استفاده قرار داده است. به‌گونه‌ای که در این آغازین سال‌های قرن ۱۲، حدود دوسوم مردم جهان یعنی رقمی معادل ۳/۷ میلیارد نفر در حاشیه ۶۰ کیلومتری از دریا زندگی می‌کنند. منطقه ساحلی فضایی اشتراکی از دو قلمرو جغرافیایی مستقل یعنی خشکی و دریا است. این محیط، محیطی پویا، متغیر و متنوع است که تحت تأثیر فرآیندهای اقلیمی، دریایی و انسانی قرار دارد. در عین حال از بعد ژئوپولیتیک دسترسی به دریا برای کشورها همواره یک امتیاز مهم محسوب می‌شود. از بعد اقتصادی نیز علاوه بر وجود بنادر و شهرهای ساحلی که یک فرصت اقتصادی برای کشورهای دارای ساحل به شمار می‌آیند، منابع فسیلی آب‌های ساحلی، سواحل را خاستگاه صنایع نفت و گاز نموده و دسترسی به آب فراوان نیاز برخی دیگر از کارخانه‌ها و صنایع را برآورده ساخته است. همچنین سهولت واردات یا صادرات و صنعت توریسم بر اهمیت اقتصادی مناطق ساحلی می‌افزایند. با این‌همه از آنجاکه فضای این مناطق محدود است، تقاضای زیاد برای بهره‌برداری از سرزمین‌های ساحلی ناگزیر به رقابت و گاه تضاد منجر می‌شود (سازمان بنادر و دریانوردی ایران، ۱۳۹۳: ۲).

مطالعه‌ی حاضر به‌منظور دستیابی به توسعه‌ی متعادل ناحیه‌ای در پی شناخت موقعیت، چگونگی توزیع و پراکنش امکانات توسعه در شاخص‌های انتخابی شهرستان‌های نواحی ساحلی شمال کشور انجام شده است. با توجه به اینکه نواحی ساحلی دارای اهمیت بسیار زیادی برای توسعه‌ی پایدار و رشد و پیشرفت اقتصادی کشور هستند و از آنجایی که روند معمول در سیاست‌های برنامه‌ریزی کشور مبنی بر توسعه و رشد استان‌های مرکزی است و در سیاست‌های برنامه‌ریزی توجه کافی به این مناطق نمی‌شود. در این پژوهش به تحلیل نابرابری‌های فضایی شهرستان‌های نواحی ساحلی شمال کشور پرداخته شده است تا بتوان بر این اساس به

برنامه‌ریزی صحیح و درست برای رفع نابرابری‌ها و پیشرفت و توسعه‌ی اقتصادی این مناطق پرداخت. برای نیل به این مهم پس از بیان چارچوب مفهومی موضوع با بهره‌گیری از تکنیک‌ها و روش‌های متداول تحلیل نابرابری‌های فضایی از جمله روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره به تحلیل و تعیین نابرابری‌های فضایی و تعیین سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های نواحی ساحلی پرداخته شده است.

مبانی نظری

در زمینه مباحث توسعه تاکنون نظریه‌های مختلفی مطرح شده است. در اینجا به ذکر برخی از مهم‌ترین آن‌ها که باهدف توجه به نابرابری‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای در مسیر رشد و توسعه‌یافتگی مطرح گشته‌اند، پرداخته شده است. طرفداران نظریه تئوکینزی یا پایه اقتصادی، نظریه فعالیت‌های اقتصادی منطقه را به دو بخش پایه (صادراتی) و غیر پایه تقسیم می‌کنند. اینان موتور رشد و نیروی محرک اقتصاد منطقه را درآمد ناشی از بخش صادرات می‌دانند (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۱۴۷). بنابراین، بر اساس این نظریه رشد و توسعه ناحیه به صادرات وابسته است. صادرات به‌عنوان تنها متغیری که مقدار آن در قیاس با دیگر متغیرها تعیین‌کننده رشد و توسعه ناحیه است و تنها محرک رشد اقتصاد ناحیه‌ای به شمار می‌آید، به رسمیت شناخته شده است (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۰۵). پیتر هال نیز معتقد است که مهم‌ترین هدف سیاست اقتصاد ناحیه‌ای به‌منظور کاهش نابرابری‌های آن، ایجاد اشتغال است که به کاهش بیکاری و مهاجر فرستی در ناحیه کمک می‌کند و رشد و توسعه آن را به دنبال خواهد داشت (Hall, 1392: 9). نظریه‌های هیرشمن و میردال شامل عناصری هستند که پرو آن را قطب رشد می‌نامد (مهندسان مشاور DHV از هلند، ۱۳۷۱: ۴۷). نظریه قطب رشد اساساً متمایل به کارایی اقتصادی است، اما این کارایی در مقایسه با تحلیل‌های ایستایی نظریه‌ای نوکلاسیک، پویایی بیشتری دارد. نظریه قطب رشد بر این استدلال است که می‌توان توسعه را از طریق دستیابی به صرفه‌های تجمع، کاهش هزینه‌های ناشی از عواملی که در مقایسه با بنگاه، خارجی محسوب می‌شوند ولی در قیاس با فضای قطبی داخلی‌اند، افزایش داد (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۰۱). در سال‌های گذشته سیاست توسعه کشور از نظریه قطب رشد تبعیت کرده است. در این راهبرد به شهرها اولویت داده می‌شود تا توسعه اجتماعی اقتصادی شهرها موجب توسعه اجتماعی اقتصادی روستاها شود و شهرها طی سازوکار مرسوم به گسترش تولید کشاورزی نواحی مجاور خود را تحریک بخشند. شواهد حاکی از آن‌اند که با اجرای سیاست قطب رشد شهرها نتوانستند خدمات لازم را ارائه دهند و موجب حرکت نقاط روستایی شوند (حمصی، ۱۳۶۰: ۱۶). برای درک ساختار فضایی مناطق و پیش‌بینی تغییر و تحولات روند توسعه، فریدمن الگوی مرکز پیرامون را عرضه می‌دارد. فریدمن می‌گوید هر نظام جغرافیایی شامل دو زیر نظام فضایی است: یکی مرکز که قلب پیشتاز و پویایی نظام است و دیگری پیرامون که می‌توان آن را بقیه نظام به حساب آورد و در حالت وابستگی یا سلطه‌پذیری نسبت به مرکز قرار دارد (هیلهورست، ۱۳۷۰: ۲۷). رابطه مرکز پیرامون را اصولاً می‌توان رابطه‌ای استعماری دانست. معمولاً بروز ساختاری قطبی شده، با جابه‌جایی برخی عوامل اصلی تولید از حاشیه به مرکز همراه است (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۰۴).

هدف برنامه‌ریزی، تبدیل وضعیت موجود به وضع مطلوب، پیشرفت و آبادانی است. بدیهی است برای رسیدن به وضع مطلوب، در گام نخست، باید شناخت دقیق و همه‌جانبه‌ای از وضع موجود داشت؛ چنین شناختی تنها از طریق علم جغرافیا آن‌هم به صورت دینامیک و بر اساس نگرش سیستمی امکان‌پذیر خواهد بود (مؤمنی و قهاری، ۱۳۹۲، ۳۵). سطح‌بندی توسعه، روشی برای سنجش توسعه‌ی مناطق است که اختلاف مکانی، فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق رانشان می‌دهد و وضعیت مناطق را نسبت به یکدیگر از نظر سطح توسعه مشخص می‌کند. با این روش، روند شکل‌گیری توسعه‌ی قطبی مناطق مشخص می‌شود و در نهایت، در برنامه‌ریزی توسعه‌ی مناطق، مناطق نیازمند و کمتر توسعه‌یافته تعیین و از نابرابری مناطق جلوگیری می‌شود (جدیدی میاندشتی، ۱۳۸۳، ۱۸). بنابراین، لازم است که نواحی کشور از نظر "برخورداری" طبقه‌بندی شده تا نسبت به میزان برخورداری یا عدم برخورداری، برنامه‌ریزی شود (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۵، ۱۸۱).

پیشینه پژوهش

مباحث توسعه در طول تاریخ بشر همواره وجود داشته است، اما تنها در دهه‌های اخیر به لحاظ تفاوت‌های منطقه‌ای و سطوح برخورداری، توجهات جدی‌تری به آن شده است که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود.

بین^۱ (۲۰۱۵)، در مطالعه‌ای به سنجش نابرابری‌های منطقه‌ای در ۳۰ استان کشور چین با استفاده از شاخص ترکیبی توسعه منطقه‌ای (CIRD۲) پرداخت. در این شاخص ترکیبی، زیر شاخص‌های موردبررسی به ۵ بعد اصلی تقسیم شد. نتایج نشان از وجود نابرابری‌های منطقه‌ای در محدوده‌ی مورد مطالعه دادند به نحوی که مناطق ساحل شرقی چین، از رشد و توسعه‌ی سریع‌تری نسبت به سایر مناطق برخوردار بودند (بین، ۲۰۱۵: ۱۳).

هاکیزمانا و جیر^۲ (۲۰۱۴)، در پژوهشی به بررسی و سنجش نابرابری‌های فضایی در میان مناطق آفریقای جنوبی با استفاده از شاخص‌های ترکیبی چندبعدی (ضریب جینی، نسبت کوزنتس، شاخص نابرابری تیل و شاخص اتکینسون) پرداختند. نتایج حاصله نشان دادند که انتخاب اقتصادی و سکونتگاهی مردم، متأثر از تمامی عوامل اجتماعی و اقتصادی است و نتایج متفاوتی از هریک از شاخص‌ها حاصل می‌شود (هاکیزمانا و جیر، ۲۰۱۴: ۷).

گولتس^۳ (۲۰۱۱)، در پژوهشی به سنجش توسعه و نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور یونان پرداختند. آن‌ها ابتدا با رویکرد چندمتغیره یک شاخص ترکیبی ایجاد کردند و سپس روش خوشه‌بندی چندمتغیره را برای شناسایی مناطق با پروفایل‌های اقتصادی و اجتماعی به کار گرفتند. نتایج پژوهش آن‌ها شواهد قوی مبنی بر همگرایی کامل مناطق یونان در دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۵ را نشان نداد (گولتس و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۷۴).

کریا^۴ و همکاران (۲۰۱۱)، در پژوهشی به بررسی نابرابری‌های منطقه‌ای تانزانیا با استفاده از شاخص ترکیبی رفاه (SCIW^۵)، در سطح ۲۶۳ شهر این کشور پرداختند. نتایج نشان از وجود نابرابری‌های فضایی در شهرهای این کشور داشت. شاخص ترکیبی رفاه پیشنهادی شامل زیر شاخص‌های اقتصادی، جمعیتی، آموزشی، بهداشتی و نیازهای پایه‌ی زندگی بود (کریا و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۶۴).

ویسی ناب و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی تحت عنوان «سطح بندی و بررسی تطبیقی سطوح توسعه یافتگی با استفاده از تکنیک‌های برنامه ریزی» با استفاده از مدل‌های موریس، آزمون پیرسون و HDI به مطالعه شهرستان‌های استان کرمانشاه پرداختند. نتایج نشان داد که شهرستان‌های استان کرمانشاه به لحاظ توسعه‌یافتگی در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برند و در سطح استان هیچ شهرستانی در خوشه اول و دوم توسعه‌یافتگی (بسیار بالا و بالا) قرار نگرفتند (ویسی ناب و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۱۱).

اسماعیل‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل سطوح برخورداری و رتبه‌بندی شهرستان‌های استان همدان» با استفاده از مدل‌های چند معیاره تاپسیس^۶ و کپراس^۷ به بررسی و مقایسه سطوح توسعه در شهرستان‌های استان همدان پرداختند. نتایج نشان داد که توزیع خدمات در بین شهرستان‌های استان همدان به صورت ناعادلانه انجام شده و شهرستان‌هایی مانند همدان و ملایر در سطح برخوردار و شهرستان‌های اسدآباد و فامنین در سطح بسیار محروم توسعه قرار می‌گیرند (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵).

کریمی موغاری و براتی (۱۳۹۶)، در پژوهشی تحت عنوان «تعیین سطح نابرابری منطقه‌ای استان‌های ایران با استفاده از تحلیل شاخص‌های ترکیبی چندبعدی»، به تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای در استان‌های ایران پرداختند. نتایج نشان داد که استان تهران، یزد و سمنان دارای بالاترین سطح توسعه و استان سیستان و بلوچستان در رتبه انتهایی توسعه قرار دارد (کریمی موغاری و براتی، ۱۳۹۶: ۴۹).

¹ Bin

² Composite Index of Regional Development

³ Hakizimana and Geyer

⁴ Goletsis

⁵ kriaa

⁶ Spatial Composite Index of Welfare

⁷ TOPSIS

⁸ KOPRAS

سرایي و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «سطح‌بندی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی» با استفاده از روش وزن دهی دلفی و مدل الکترونیک به بررسی سطوح توسعه فرهنگی در شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد پرداختند. نتایج نشان داد که شاخص‌های فرهنگی در شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد به صورت متوازن توزیع نشده و اختلاف فاحشی بین شهرستان‌ها از نظر خدمات فرهنگی ملاحظه می‌شود. به گونه‌ای که بر اساس نتایج مدل الکترونیک شهرستان‌های بهمئی، کهگیلویه و شهرستان بویراحمد به ترتیب در بالاترین سطح توسعه فرهنگی قرار گرفتند و شهرستان گچساران نیز در پایین‌ترین سطح توسعه قرار گرفت (سرایي و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵).

با توجه به اینکه نابرابری‌ها وجه چندبعدی دارند و در بررسی و تحلیل آن‌ها باید به مطالعه همه‌ی ابعاد بپردازیم؛ در این پژوهش سعی شده است تا به بررسی این موضوع در پنج بعد فرهنگی- اجتماعی، آموزشی، کالبدی - زیربنایی، اقتصادی و بهداشتی - درمانی پرداخته شود که در مطالعات گذشته در موردسنجش نابرابری‌ها در ایران، چنین نگاهی به این موضوع وجود نداشته و به ندرت از پنج بعد باهم استفاده شده است و معمولاً از یک یا دو تا از ابعاد جهت تعیین سطوح توسعه‌یافتگی و نابرابری‌ها استفاده شده است. آن دسته از مطالعاتی هم که در گذشته از شاخص ترکیبی در سنجش سطح توسعه مناطق استفاده کرده‌اند، بر تفکیک شاخص‌ها در ابعاد مختلف توسعه توجه نداشته‌اند ولی در این پژوهش به بررسی و سنجش ابعاد نابرابری‌های فضایی به تفکیک شاخص‌ها پرداخته شده است. نوآوری دیگر این پژوهش بررسی و تحلیل نابرابری‌ها در استان‌های ساحلی و حاشیه‌ای کشور و خوشه‌بندی شهرستان‌های آن‌ها در گروه‌های مختلف توسعه‌یافتگی می‌باشد؛ این در حالی است که بیشتر مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده قبلی در مورد استان‌های مرکزی و بزرگ کشور انجام شده و خیلی کم به مطالعه مناطق و استان‌های حاشیه‌ای و ساحلی (علی‌رغم اهمیت بسیار زیاد این مناطق در توسعه‌ی پایدار و رونق اقتصاد برای کشور) پرداخته شده است.

روش پژوهش

نوع تحقیق بر اساس هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. جامعه آماری شهرستان‌های نواحی ساحلی شمال کشور می‌باشد که تعداد آن‌ها بر اساس سالنامه آماری سال ۱۳۹۵، ۴۹ شهرستان بوده که در ارتباط با یکدیگر مقایسه و بررسی می‌گردد. در زمینه سنجش توسعه‌یافتگی، انواع متنوعی از روش‌ها و تکنیک‌ها وجود دارد، بسته به هدف و مقدار اعتبار و اطلاعات در دسترس و مهارت‌های برنامه‌ریزان برای سازمان‌دهی و ارزیابی داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. از این رو در این پژوهش از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره مدل (TOPSIS, SAW)، برای تحلیل نابرابری‌های فضایی شهرستان‌های نواحی ساحلی شمال کشور استفاده شده است. همچنین برای وزن دهی شاخص‌های مورد مطالعه در این پژوهش از روش آنتروپی^۱ شانون استفاده شده است.

محدوده مورد مطالعه

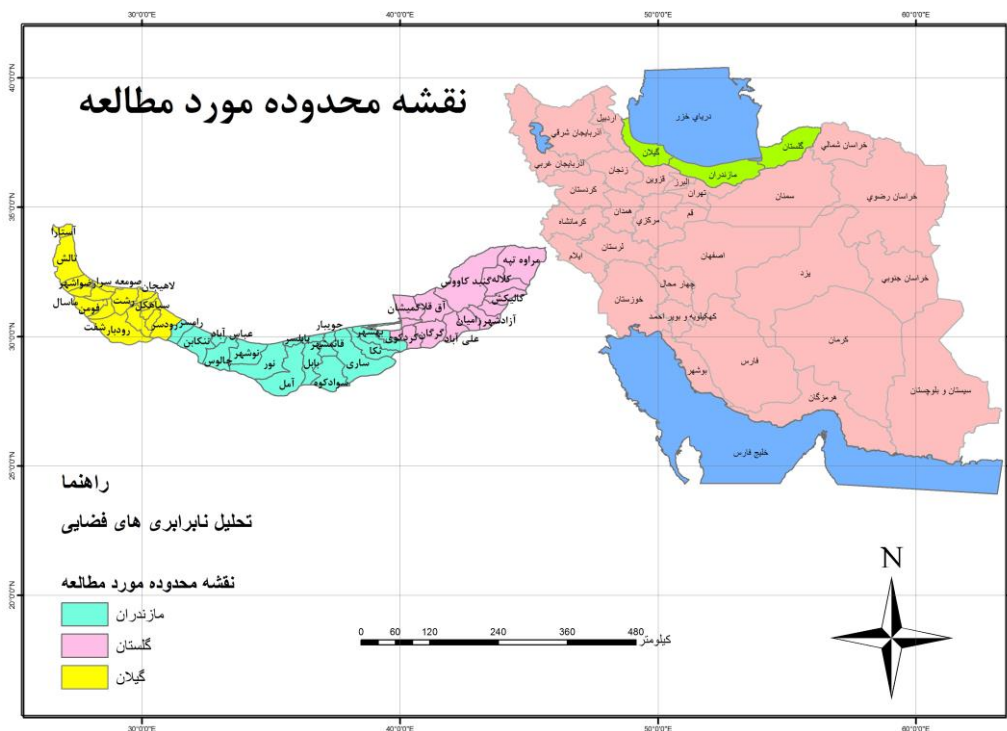
منطقه ساحلی شمال کشور شامل ۳ استان مازندران، گیلان و استان گلستان بوده که دارای ۵۸۱۶۷ کیلومتر مربع مساحت می‌باشند. منطقه مورد مطالعه در ۳۸ درجه، ۲۶ دقیقه و ۴۵ ثانیه تا ۳۵ درجه، ۴۵ دقیقه و ۴۶ ثانیه عرض شمالی از استوا و ۴۸ درجه، ۳۴ دقیقه و ۱۱ ثانیه تا ۵۶ درجه و ۱۸ دقیقه و ۴۸ ثانیه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. بر اساس سالنامه آماری سال ۱۳۹۵ میزان جمعیت این منطقه برابر با ۷۶۸۳۰۹۷ نفر و تعداد شهرستان‌های آن ۵۲ شهرستان بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

¹ Entropy

جدول ۱. متغیرها و شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش

نسبت شاغلین شرکت‌های تعاونی کشاورزی به ۱۰۰۰۰ نفر	فرهنگی- اجتماعی
نسبت کتابخانه به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت کتابخانه به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت شرکت‌های تعاونی کشاورزی به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت اعضا کتابخانه به ۱۰۰۰۰ نفر
بهداشتی- درمانی	
نسبت بیمارستان‌های فعال به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت کتاب‌های موجود کتابخانه عمومی به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت تخت ثابت بیمارستان به ده هزار نفر	نسبت سینما به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت مراکز بهداشتی- درمانی روستایی به ده هزار نفر	نسبت سالن نمایش به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت مراکز بهداشتی- درمانی شهری به ده هزار نفر	نسبت چاپخانه به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت خانه‌های بهداشت به ۱۰۰۰۰ نفر	آموزشی
نسبت آزمایشگاه به ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	نرخ باسوادی در نقاط شهری
نسبت داروخانه به ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	نرخ باسوادی در نقاط روستایی
نسبت موسسه تشخیصی_درمانی هسته‌ای به ۱۰۰۰۰ نفر	کالبدی و زیربنایی
نسبت مراکز توان بخشی به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت روستاهای گازرسانی شده به کل روستاهای شهرستان
نسبت پایگاه‌های اورژانس به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت روستاهای دارای ارتباط تلفنی به کل روستاهای شهرستان
نسبت تخت فعال به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت جایگاه پمپ‌بنزین به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت پزشکان به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت جایگاه CNG به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت پزشک عمومی به ۱۰۰۰۰ نفر	اقتصادی
نسبت دندان پزشک به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت شاغلین بخش صنعت به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت داروساز به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت شرکت‌های تعاونی صنعتی به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت دکترای علوم آزمایشگاهی به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت شاغلین شرکت‌های صنعتی به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت پزشک متخصص به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت شرکت‌های تعاونی معدنی به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت پزشک فوق تخصص به ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت شاغلین شرکت‌های تعاونی معدنی به ۱۰۰۰۰ نفر

منبع: سازمان برنامه‌بودجه، معاونت آمار و اطلاعات، ۱۳۹۵



شکل ۱. موقعیت شهرستان‌های نواحی ساحلی شمال کشور

یافته‌ها و بحث

برای تحلیل نابرابری‌های فضایی شهرستان‌های نواحی ساحلی شمال کشور بر اساس مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره، ابتدا به بی‌مقیاس سازی مقادیر ۳۷ شاخص مورد استفاده در این پژوهش پرداخته شده است و سپس با استفاده از روش آنتروپی شانون به هر کدام از شاخص‌ها وزنی تعلق گرفته است. در نهایت با استفاده از دو مدل SAW و TOPSIS به رتبه‌بندی محدوده‌ی مورد مطالعه پرداخته شده است.

تحلیل نابرابری‌های فضایی شهرستان‌های نواحی ساحلی شمال بر اساس مدل SAW

نتایج حاصل از بررسی و تحلیل نابرابری‌های فضایی شهرستان‌های نواحی ساحلی شمال کشور بر اساس مدل SAW در جدول شماره ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲. رتبه‌بندی شهرستان‌های نواحی ساحلی شمال کشور بر اساس مدل SAW

رتبه‌بندی	مدل SAW	شهرستان‌ها	رتبه‌بندی	مدل SAW	شهرستان‌ها	رتبه‌بندی	مدل SAW	شهرستان‌ها
۳۴	-۰/۱۰۲۵	صومعه‌سرا	۱۸	۰/۱۲۲۳	محمودآباد	۱	-۰/۶۹۹۰	تنکابن
۳۵	-۰/۱۰۱۹	نکا	۱۹	۰/۱۱۹۵	آزادشهر	۲	-۰/۵۲۳۰	سیاهکل
۳۶	-۰/۰۹۹۹	آستانه	۲۰	۰/۱۱۶۷	آمل	۳	-۰/۱۶۹۴	سوادکوه
۳۷	-۰/۰۹۳۱	قائم‌شهر	۲۱	۰/۱۱۶۲	لاهیجان	۴	-۰/۱۶۰۶	گرگان
۳۸	-۰/۰۹۲۹	گمیشان	۲۲	۰/۱۱۵۱	لنگرود	۵	-۰/۱۵۹۵	رشت
۳۹	-۰/۰۹۲۲	عباس‌آباد	۲۳	۰/۱۱۲۸	بهشهر	۶	-۰/۱۴۹۱	بندرگز
۴۰	-۰/۰۹۱۸	گلوگاه	۲۴	۰/۱۱۲۷	رودسر	۷	-۰/۱۴۸۰	ساری
۴۱	-۰/۰۸۹۷	مراوه‌تپه	۲۵	۰/۱۱۰۹	مینودشت	۸	-۰/۱۴۱۴	رودبار
۴۲	-۰/۰۸۷۶	املش	۲۶	۰/۱۱۰۸	نور	۹	-۰/۱۳۸۲	گنبدکاووس
۴۳	-۰/۰۸۷۶	شفت	۲۷	۰/۱۰۸۵	آق‌قلا	۱۰	-۰/۱۳۹۲	بابلسر
۴۴	-۰/۰۸۷۳	آستارا	۲۸	۰/۱۰۷۶	ماسال	۱۱	-۰/۱۳۹۰	فریدون‌کنار
۴۵	-۰/۰۸۲۱	تالش	۲۹	۰/۱۰۶۹	علی‌آباد	۱۲	-۰/۱۳۸۲	چالوس
۴۶	-۰/۰۷۶۹	گالیکش	۳۰	۰/۱۰۵۷	ترکمن	۱۳	-۰/۱۳۶۳	کردکوی
۴۷	-۰/۰۷۴۳	نوشهر	۳۱	۰/۱۰۵۲	کلالة	۱۴	-۰/۱۳۵۸	رامسر
۴۸	-۰/۰۷۲۱	میانرود	۳۲	۰/۱۰۴۴	فومن	۱۵	-۰/۱۳۵۴	جویبار
۴۹	-۰/۰۶۵۰	رضوانشهر	۳۳	۰/۱۰۴۰	رامیان	۱۶	-۰/۱۳۴۹	بندر انزلی
						۱۷	-۰/۱۳۴۰	بابل

بر اساس مقادیر به‌دست‌آمده از مدل رتبه‌بندی SAW در جدول شماره ۲ می‌توان بیان کرد که وجود نابرابری بین نواحی و شهرستان‌های مختلف مورد مطالعه در این پژوهش کاملاً مشهود است. برخی از شهرستان‌های مورد مطالعه از لحاظ شاخص‌های توسعه بسیار برخوردار و توسعه‌یافته‌اند و بعضی از شهرستان‌ها هم در سطح بسیار پایین توسعه قرار دارند. بر اساس مدل SAW شهرستان‌های تنکابن، سیاهکل، سوادکوه، گرگان، رشت، بندرگز، ساری، رودبار، گنبدکاووس، بابلسر، فریدون‌کنار، چالوس و کردکوی در سطح کاملاً برخوردار قرار می‌گیرند و در واقع توسعه‌یافته‌ترین شهرستان‌های نواحی ساحلی کشور هستند. همچنین شهرستان‌های رامسر، جویبار، بندر انزلی، بابل، محمودآباد، آزادشهر، آمل، لاهیجان، لنگرود، بهشهر، رودسر و مینودشت در سطح برخوردار قرار می‌گیرند. در سطح نسبتاً برخوردار می‌توان از شهرستان‌های نور، آق‌قلا، ماسال، علی‌آباد، ترکمن، کلالة، فومن، رامیان، صومعه‌سرا، نکا، آستانه و شهرستان قائم‌شهر نام برد. شهرستان‌های محروم نواحی ساحلی شمال کشور که از لحاظ وضعیت توسعه در جایگاه بسیار بدی قرار گرفته‌اند بر اساس مدل مورد نظر عبارت‌اند از: گمیشان، عباس‌آباد، گلوگاه، مراوه‌تپه، املش، شفت، آستارا، تالش، گالیکش، نوشهر، میانرود و رضوانشهر. نتایج حاصل از مدل SAW بر روی شکل شماره ۲ به تصویر کشیده شده است.

است که یکی از دلایل این تفاوت می‌تواند ناشی از نحوه‌ی بی‌مقیاس‌سازی مورد استفاده در مدل‌های مورد استفاده باشد، به این صورت که بی‌مقیاس‌سازی داده‌ها در مدل SAW، بی‌مقیاس‌سازی خطی است و در مدل تاپسیس هم از روش بی‌مقیاس‌سازی نرم استفاده می‌شود. برای از بین بردن تفاوت و اختلاف جایگاه مناطق مختلف نواحی مورد مطالعه از لحاظ میزان برخورداری از شاخص‌های مختلف توسعه به ترکیب نتایج هر دو مدل پرداختیم، به این ترتیب که با میانگین‌گیری از نتیجه‌ی نهایی هر دو مدل، رتبه‌بندی نهایی مشخص شده است.

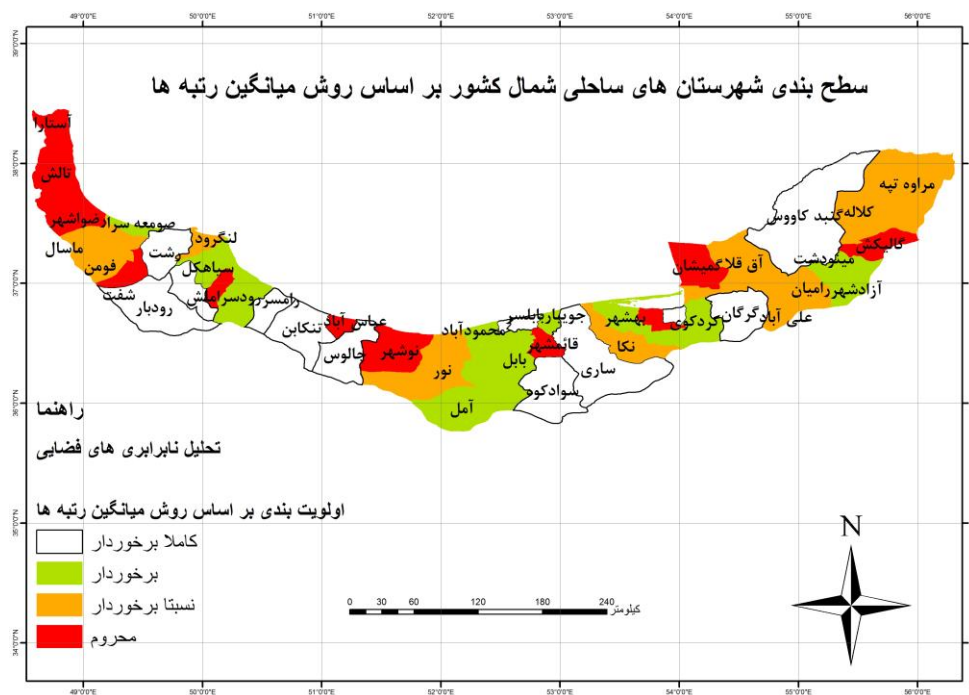
اولویت‌بندی بر اساس روش میانگین رتبه‌ها

نتیجه‌ی نهایی حاصل از رتبه‌بندی مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره‌ی مورد استفاده در این پژوهش در جدول شماره ۴ نمایش داده شده است.

جدول ۴. رتبه‌بندی شهرستان‌های نواحی ساحلی شمال کشور بر اساس ترکیب دو مدل SAW و TOPSIS

رتبه‌بندی	میانگین	شهرستان‌ها	رتبه‌بندی	میانگین	شهرستان‌ها	رتبه‌بندی	میانگین	شهرستان‌ها
۳۴	۰/۰۵۷۱	مراوه‌تپه	۱۸	۰/۰۶۸۵	لنگرود	۱	۰/۳۹۶۴	تنکابن
۳۵	۰/۰۵۶۳	صومعه‌سرا	۱۹	۰/۰۶۸۳	لاهیجان	۲	۰/۳۰۲۴	سیاهکل
۳۶	۰/۰۵۶۱	نکا	۲۰	۰/۰۶۷۲	آزادشهر	۳	۰/۰۹۷۷	سوادکوه
۳۷	۰/۰۵۴۷	آستانه اشرفیه	۲۱	۰/۰۶۷۲	محمودآباد	۴	۰/۰۹۳۰	رشت
۳۸	۰/۰۵۱۷	گمیشان	۲۲	۰/۰۶۴۹	مینودشت	۵	۰/۰۹۰۲	گرگان
۳۹	۰/۰۵۱۲	گلوگاه	۲۳	۰/۰۶۴۶	امل	۶	۰/۰۸۳۵	ساری
۴۰	۰/۰۵۱۰	قائم‌شهر	۲۴	۰/۰۶۴۴	رودسر	۷	۰/۰۸۲۸	بندرگز
۴۱	۰/۰۵۰۷	عباس‌آباد	۲۵	۰/۰۶۳۷	بهشهر	۸	۰/۰۸۰۷	رودبار
۴۲	۰/۰۴۸۴	املش	۲۶	۰/۰۶۰۹	نور	۹	۰/۰۷۷۶	گنبدکاووس
۴۳	۰/۰۴۸۳	شفت	۲۷	۰/۰۶۰۵	کلاله	۱۰	۰/۰۷۱۹	فریدون‌کنار
۴۴	۰/۰۴۸۲	آستارا	۲۸	۰/۰۵۹۶	ماسال	۱۱	۰/۰۷۱۵	چالوس
۴۵	۰/۰۴۵۳	تالش	۲۹	۰/۰۵۹۳	آق‌قلا	۱۲	۰/۰۷۱۰	بابلسر
۴۶	۰/۰۴۲۳	گالیکش	۳۰	۰/۰۵۸۸	ترکمن	۱۳	۰/۰۷۰۸	رامسر
۴۷	۰/۰۴۱۱	نوشهر	۳۱	۰/۰۵۸۵	علی‌آباد	۱۴	۰/۰۶۹۸	بابل
۴۸	۰/۰۴۰۹	رضوانشهر	۳۲	۰/۰۵۷۵	فومن	۱۵	۰/۰۶۹۵	کردکوی
۴۹	۰/۰۴۰۰	میاندورود	۳۳	۰/۰۵۷۲	رامیان	۱۶	۰/۰۶۹۰	بندر انزلی
						۱۷	۰/۰۶۹۰	جویبار

بر اساس جدول شماره ۴ که نتایج ترکیبی هر دو مدل استفاده شده در این پژوهش را نشان می‌دهد، می‌توان بیان کرد که شهرستان‌های تنکابن، سیاهکل، سوادکوه، رشت، گرگان، ساری، بندرگز، رودبار، گنبدکاووس، فریدون‌کنار، چالوس، بابلسر و شهرستان رامسر در رده‌ی شهرستان‌های کاملاً برخوردار قرار می‌گیرند. همچنین شهرستان‌های بابل، کردکوی، بندر انزلی، جویبار، لنگرود، لاهیجان، آزادشهر، محمودآباد، مینودشت، امل، رودسر و بهشهر در سطح برخوردار قرار دارند. در سطح نسبتاً برخوردار هم می‌توان از شهرستان‌های نور، کلاله، ماسال، آق‌قلا، ترکمن، علی‌آباد، فومن، رامیان، مراوه‌تپه، صومعه‌سرا، نکا و آستانه نام برد. شهرستان‌های کاملاً محروم نواحی ساحلی شمال کشور عبارت‌اند از: گمیشان، گلوگاه، قائم‌شهر، عباس‌آباد، املش، شفت، آستارا، تالش، گالیکش، نوشهر، رضوانشهر و شهرستان میاندورود. نتایج حاصل از رتبه‌بندی و تحلیل نابرابری‌های فضایی حاصل از ترکیب دو مدل SAW و TOPSIS بر روی شکل شماره ۴ نمایش داده شده است.



شکل ۴. رتبه‌بندی شهرستان‌های نواحی ساحلی شمال کشور بر اساس ترکیب دو مدل

تحلیل نابرابری‌های فضایی شهرستان‌های نواحی ساحلی شمال کشور بر اساس مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره نشان داد که به‌مانند بسیاری از مناطق و نواحی کشور، وضعیت توسعه‌یافتگی و برنامه‌ریزی در مناطق ساحلی شمال کشور هم بسیار نامناسب است. بسیاری از شهرستان‌ها و مناطق نواحی ساحلی شمال کشور در رده‌ی توسعه‌یافته‌ترین مناطق کشور قرار می‌گیرند، درحالی‌که بسیاری دیگر از مناطق در رده‌ی کم توسعه‌ترین و به عبارتی محروم‌ترین مناطق قرار می‌گیرند که بر روی شکل شماره ۴ مشخص شده‌اند.

نتیجه‌گیری

بحث نابرابری توسعه در میان مناطق و یا شهرها از موضوعاتی است که طی سال‌های اخیر در فرهنگ برنامه‌ریزی منطقه‌ای مطرح شده است و در حال حاضر با استقبال زیادی در محافل علمی همراه بوده است. برای تعدیل این نابرابری‌ها که از مصادیق بارز توسعه و توسعه پایدار به شمار می‌رود، باید به برنامه‌ریزی منطقه‌ای پرداخت که اولین گام در این نوع برنامه‌ریزی، شناخت نابرابری‌ها بین مناطق می‌باشد. متأسفانه کاربرد نظریات مختلفی که در سطح جهانی در مورد برنامه‌ریزی فضایی و منطقه‌ای بیان شد مثل نظریات قطب رشد و مرکز پیرامون و بسیاری از نظریات دیگر در کشورهای جهان سوم و توسعه‌نیافته از جمله ایران نه تنها در کاهش و رفع نابرابری‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای موفق نبوده بلکه در بسیاری از موارد هم باعث تشدید این نابرابری‌ها شده است. کشور ایران هم مثل بسیاری از کشورهای در حال توسعه با به‌کارگیری این نظریه‌ها در سیاست‌های برنامه‌ریزی خود به دنبال رفع نابرابری‌ها و توزیع عادلانه‌ی خدمات و امکانات در مناطق مختلف کشور بوده است که متأسفانه این نظریات در کشور ما هم مثل خیلی از کشورهای دیگر نه تنها به رفع نابرابری‌ها نینجامیده بلکه در بسیاری از مناطق کشور هم باعث تشدید این نابرابری‌ها شده است. در کشور ما به کار بردن این سیاست‌ها و نظریات باعث شد تا استان‌های مرکزی و بزرگ ایران مثل تهران، مشهد، فارس، اصفهان و تبریز و... به رشد و توسعه‌ای چند برابر استان‌های کوچک و مخصوصاً استان‌های مرزی کشور برسند. حتی در همین استان‌های مرکزی هم فقط چند شهر اصلی به رشد و توسعه رسیدند و بیشتر امکانات و خدمات در همین شهرها تجمع یافته‌اند و بقیه‌ی شهرها و روستاهای این استان‌ها با امکانات و خدمات بسیار محدودی به حیات خود ادامه می‌دهند که این مسئله متأسفانه در کشور ما باعث به وجود آمدن سیل عظیم و بسیار شدید مهاجرت‌ها از شهرهای کوچک و متوسط به شهرهای بزرگ شده است.

این مهاجرت‌ها باعث به وجود آمدن بسیاری از بی‌نظمی‌ها و مسائل و مشکلات بسیار فراوانی در شهرهای بزرگ از جمله بروز پدیده‌ی حاشیه‌نشینی و مشکلات بهداشتی، امنیتی، اقتصادی و بسیاری مشکلات دیگر می‌شود که کلاً فرایند توسعه‌ی یک منطقه را مخصوصاً توسعه‌ی پایدار آن را دچار خدشه و بی‌نظمی می‌کند. با توجه به اهمیت موضوع مطالعه‌ی حاضر به منظور دستیابی به توسعه‌ی متعادل ناحیه‌ای در پی شناخت موقعیت، چگونگی توزیع و پراکنش امکانات توسعه در شاخص‌های انتخابی شهرستان‌های نواحی ساحلی شمال کشور انجام شده است. با توجه به اینکه نواحی ساحلی دارای اهمیت بسیار زیادی برای توسعه‌ی پایدار و رشد و پیشرفت اقتصادی کشور هستند، در این پژوهش به تحلیل نابرابری‌های فضایی شهرستان‌های نواحی ساحلی شمال کشور پرداخته شده است تا بتوان بر این اساس به برنامه‌ریزی صحیح و درست برای رفع نابرابری‌ها و پیشرفت و توسعه‌ی اقتصادی این مناطق پرداخت. برای نیل به این مهم پس از بیان چارچوب مفهومی موضوع با بهره‌گیری از تکنیک‌ها و روش‌های متداول سنجش سطوح توسعه‌یافتگی از جمله روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره به تحلیل و تعیین نابرابری‌های فضایی و تعیین سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های نواحی ساحلی پرداخته شده است. نتایج ترکیبی هر دو مدل استفاده شده در این پژوهش نشان داد که شهرستان‌های تنکابن، سیاهکل، سوادکوه، رشت، گرگان، ساری، بندرگز، رودبار، گنبدکاووس، فریدونکنار، چالوس، بابل و شهرستان رامسر در رده‌ی شهرستان‌های کاملاً برخوردار و شهرستان‌های بابل، کردکوی، بندر انزلی، جویبار، لنگرود، لاهیجان، آزادشهر، محمودآباد، مینودشت، آمل، رودسر و بهشهر در سطح برخوردار قرار می‌گیرند. همچنین در سطح نسبتاً برخوردار شهرستان‌هایی مانند نور، کلاله، ماسال، آق‌قلا، ترکمن، علی‌آباد، فومن، رامیان، مراوه‌تپه، صومعه‌سرا، نکا و آستانه قرار می‌گیرند. و در سطح کاملاً محروم می‌توان از شهرستان‌هایی مانند گمیشان، گلوگاه، قائم‌شهر، عباس‌آباد، املش، شفت، آستارا، تالش، گالیکش، نوشهر، رضوانشهر و شهرستان میانرود نام برد. با توجه به وجود این نابرابری‌ها لزوم توجه به برنامه‌ها و سیاست‌هایی برای از بین بردن محرومیت‌ها و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای و رسیدن به سطح توسعه‌ی مطلوب و عدالت فضایی برای این نواحی بیش‌ازپیش نمایان می‌شود. با توجه به مشخص شدن میزان تفاوت در سطوح توسعه هرکدام از مناطق نواحی ساحلی شمال کشور می‌توان راهکارهای زیر را برای بهبود وضعیت برنامه‌ریزی‌ها و ایجاد تعادل منطقه‌ای در این نواحی بیان نمود.

- گسترش راه‌های ارتباطی به‌عنوان گلوگاه توسعه؛ تعادل بخشی در سازمان فضایی و ارتباطی نواحی از طریق ایجاد زیرساخت‌ها در نواحی مستعد.
- افزایش نقش صنایع به‌خصوص صنعت گردشگری و همگام شدن صنایع با بخش‌های دیگر اقتصادی برای رعایت تناسب فعالیت‌های اقتصادی.
- بهبود کارایی جمعیت فعال استان و ایجاد اشتغال پایدار در نقاط مختلف و محروم استان، توانمندسازی روستاییان و احیای صنایع دستی.
- ارتقاء شاخص‌های کمی و کیفی وضعیت سواد و آموزش و بالا بردن ضریب پوشش تحصیلی در مناطق محروم.
- توجه ویژه به مسائل کارشناسی و تحقیق و پژوهش در زمینه صنایع کوچک و مادر و بررسی علمی دلایل شکست و ناکامی بعضی از پروژه‌ها و صنایع.
- ایجاد تعادل نسبی در توزیع تأسیسات و تسهیلات مختلف و تناسب امکانات در شهرستان‌های نواحی ساحلی شمال کشور.
- برنامه‌ریزی و محرومیت‌زدایی از شهرستان‌هایی که در سطوح بسیار پایین توسعه‌یافتگی قرار دارند.

منابع

- اسماعیل‌زاده، حسن، رضوان، صفرخانی، یعقوب، اسماعیل‌زاده. (۱۳۹۶). تحلیل سطوح برخورداری و رتبه‌بندی شهرستان‌های استان همدان با استفاده از مدل‌های چند معیاره TOPSIS و KOPRAS، فصل‌نامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۲۵.
- بابایی فرد، اسدالله. (۱۳۸۹). توسعه‌ی فرهنگی و توسعه‌ی اجتماعی، فصل‌نامه‌ی رفاه اجتماعی، ۳۷، ۵۶-۵۷.
- پاپلی یزدی، محمدحسین، حسین، رجبی سناجردی. (۱۳۸۲). نظریه‌های شهر و پیرامون. تهران: انتشارات سمت.
- جدیدی میاندشتی، مهدی. (۱۳۸۳). توزیع متعادل منابع مالی به روش سطح‌بندی توسعه مناطق. فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی، ۱۱ و ۱۲.

- حسین زاده دلیر، کریم. (۱۳۸۵). *برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*. تهران: انتشارات سمت.
- زالی، نادر. (۱۳۷۹). *سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای (نمونه موردی استان آذربایجان شرقی)*. به راهنمایی فرانک سیف‌الدینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- سرای، محمدحسین، علی. طاووسیان، مرادعلی. الله‌وردی، حجت، رضایی. (۱۳۹۴). *سطح‌بندی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی*. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۲۰.
- صباغ کرمانی، مجید. (۱۳۸۰). *اقتصاد (تئوری منطقه‌ای و مدل‌ها)*. تهران: انتشارات سمت.
- صرافی، مظفر. (۱۳۷۹). *مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای*. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ضرابی، اصغر، نازنین، تبریزی، (۱۳۹۰). *تعیین سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های مازندران - رویکرد تحلیل عاملی*. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۱۷.
- قنبری، ابوالفضل، کریم، حسین زاده دلیر. (۱۳۸۴). *تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی*. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۵.
- قنبری، یوسف، حمید، برقی، احمد، حجازیان. (۱۳۹۰). *تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان اصفهان*. فصلنامه روستا و توسعه، ۹۳-۱۱۲، (۳)۱۴.
- کریمی موغاری، زهرا، جواد، براتی. (۱۳۹۶). *تعیین سطوح نابرابری منطقه‌ای استان‌های ایران: تحلیل شاخص‌های ترکیبی چندبعدی*. فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۲۶.
- متوسلی، محمود. (۱۳۸۰). *الگوسازی تفاوت منطقه‌ای از دیدگاه توسعه منطقه‌ای*. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه تهران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). *سالنامه آماری استان مازندران*. معاونت برنامه‌ریزی دفتر آمار و اطلاعات ۱۳۹۵.
- معصومی اشکوری، حسن. (۱۳۸۵). *اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*. تهران: انتشارات پیام، چاپ سوم.
- مهندسان مشاور DHV هلند. (۱۳۷۱). *رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی*. انتشارات روستا و توسعه، شماره ۱۰، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستا، وزارت جهاد کشاورزی، نشر ارغنون.
- موحد، علی. (۱۳۷۶). *برنامه‌ریزی توسعه فضایی بخش زواره*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا «گرایش مطالعات و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای»، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- مؤمنی، مهدی، غلامرضا، قهاری. (۱۳۹۲). *تحلیلی بر وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان فارس*. مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای مرودشت، ۳(۹).
- ویسی ناب، برهان، مهدی، نیک‌سرشت، امید، ابراهیمی، مهدی، سبزی. (۱۳۹۶). *سطح‌بندی و بررسی تطبیقی سطوح توسعه‌یافتگی با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان کرمانشاه)*. مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۲(۳)، ۷۱۱-۷۲۹.
- Bin, P. (2015). *Regional Disparity and Dynamic Development of China: a Multidimensional Index*. SIS Working Paper, MPRA Paper No. 61849, University of Trento.
- Goletsis, Y., & Chletsos, M. (2011). Measurement of development and regional disparities in Greek periphery: A multivariate approach, *Socio-Economic Planning Sciences*, 45(4), 174-183.
- Hakizimana, J. M. & Geyer, H. (2015). *Socio-Economic Inequality in South Africa According to Different Disparity Indices*. ERSA Conference Papers.
- Hall, Peter, (1992). *Urban Regional Planning*, 3rd ed., Landon and New York.
- Hamasi, Mohammad, (1981). Discussion Based on Effective Factors of Man Power Migration, Iranian Geography's Association Publication (Review), First Period, No. 3.
- Hilhoest, Gozeph, (1991). *Region Planning*, Translation of Qolam Reza Shiraziyan & et. Plan & Budget Department. Tehran.
- Kalantari, K. (1998). *Identification of backward region in Iran*. Geographical research quarterly. No 48. Mashhad.
- Kriaa, M., Driss, S., & Karray, Z. (2011). Inequality and Spatial Disparities in Tunisia. *The Journal of Business Inquiry*, 10(1), 161-175.

- McCann, E. J. (2002). The cultural politics of local economic development: meaning-making, place-making, and the urban policy process. *Geoforum*, 33(3), 385-398.
- Rosenstein, C. (2011). Cultural development and city neighborhoods. *City, culture and society*, 2(1), 9-15.
- Sharbatgholei, A. (1999). *Urbanization and Regional Development in Post- Revolutionary Iran*. West view Press, Oxford.